

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

اشرف دهقانی
۲۳ فبروری ۲۰۱۸

دفاع از مبارزه حق طلبانه در ارایش گنابادی یک وظیفه انقلابی ست !

کارگران ، زحمتکشان و دیگر توده های رنج دیده ایران !

دیروز یک بار دیگر توده های رزمنده ایران ، این بار در ارایش گنابادی که همواره با سرکوبها و آزادی کشی های رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی - به بهانه داشتن مذهبی متفاوت از مذهب مورد تبلیغ رژیم جمهوری اسلامی - مواجه بوده اند ، با نشان دادن گوشه ای از خشم و نفرت خود در مقابل مزدوران سرکوبگر ، دشمنان مردم ایران از خود رژیم گرفته تا اربابان امپریالیستش را در ماتم و عزا فرو بردند.

در روز ۳۰ بهمن [دلو] ، در ارایش گنابادی که در اعتراض به دستگیری وحشیانه محمد ثلاث ، درویش ۷۰ ساله در مقابل کلانتری خیابان پاسداران تهران تجمع کرده بودند ، مورد برخورد سرکوبگرانه نیروهای مسلح رژیم واقع شده و به درگیری با آنها پرداختند. با توجه به مقاومت سرسختانه و شجاعانه این توده های زجر دیده و به ستوه آمده در مقابل سرکوبگران ، درگیری همچنان ادامه یافت و هنگامی به اوج خود رسید که خبر کشته شدن محمد ثلاث به دست مزدوران وحشی جمهوری اسلامی به گوش در ارایش رسید. عکسی از سر و صورت زخمی و خون آلود محمد ثلاث در اینترنت پخش شده که نشان می دهد که آدمکشان جمهوری اسلامی به هنگام دستگیری این پیرمرد ، با چه وحشی گری با وی برخورد کرده بودند که بالاخره هم او را در اسارت کشتند.

ویدیوهای پخش شده از مقاومت جانانه در ارایش در مقابل سرکوب نشان می دهند که در شرایطی که رژیم نیروهای مسلح خود را در ابعادی بزرگ به سراغ این توده های ستمدیده فرستاده بود ولی آنها در مقابل قدرت و اراده انقلابی در ارایش ستمدیده که مورد پشتیبانی مردم مبارز منطقه نیز قرار داشتند ، به هیچ وجه نتوانستند دوام بیاورند. در ارایش مبارز با سنگ و چوب به دفاع از خود پرداخته و با پرتاب مواد آتشزا به مقابله با مزدوران برخاستند و حتی در مواردی آنها را فراری دادند. در یک مورد این نیروهای آزادیخواه موفق به حمله به یکی از مراکز شکنجه وزارت اطلاعات (اطلاعاتی های جمهوری اسلامی نیز همچون ساواکی های رژیم شاه ، علاوه بر زندانهای رسمی که در آنجا به کار شکنجه آزادیخواهان و نیروهای انقلابی می پردازند ، خانه هایی را نیز به منظور شکنجه برخی از زندانیان خاص در اختیار دارند) شده و آنجا را ویران نمودند. در شرایطی که گله ای از سرکوبگران برای بگیر و ببند و کشتار خونین در ارایش در خیابان بودند ، فردی مملو از خشمی فشرده در دل ناشی از سرکوبگری های رژیم ، به تاکتیکی

علیه ضد انقلاب دست زد که اولین بار همین ضد انقلاب جمهوری اسلامی علیه توده های جان به لب رسیده ما در جریان جنبش قهرمانانه توده ها در سال ۱۳۸۸ به کار برده بود ، و آن راندن یک اتوبوس به قصد زیر گرفتن و مجازات تعداد هر چه بیشتری از نیروهای سرکوبگر رژیم بود.

در اینجا برای جلوگیری از طول کلام ، از ذکر تاریخ ستم ها ، بی عدالتی ها ، محرومیت ها و زجرهایی که جمهوری اسلامی در طول عمر ننگین و جنایت بار خود بر درویش ایران تحمیل کرده که یکی از آنها ویران کردن ساختمان مرکز تجمع آنان در بروجرود بود می گذرم . واقعیت این است که جمهوری اسلامی به مثابه رژیم تأمین کننده منافع امپریالیستها و سرمایه داران وابسته داخلی چنان دیکتاتوری خشن و عنان گسیخته ای را در جامعه ایران برقرار ساخته که هیچ نیروی اجتماعی انقلابی و مترقی ، هیچ خلق تحت ستم و هیچ طبقه و قشر مردمی و یا اقلیت مذهبی از سرکوب و وحشیانه آن در امان نبوده است. زنان از برجسته ترین نیروهای جامعه می باشند که از بدو روی کار آمدن این رژیم ، آماج حملات آن قرار گرفته اند. جمهوری اسلامی ، این جرثومه فساد و تباهی حتی پناهجویان افغان را نیز راحت نگذاشته و علاوه بر اعمال همه بی عدالتی ها و تبعیضات در حق آنان ، با گوشت دم توپ ساختن مردان افغان در جبهه های جنگ امپریالیستی که در آنها شرکت دارد ، مرتکب ننگین ترین جنایات می شود. در چنین شرایطی است که درویش به مبارزه با این رژیم جنایتکار و آزادی کش و اعتراض به سرکوبگری جمهوری اسلامی برخاسته اند.

در این میان مسائلی چندی مطرح است. ۱- همه رسانه های امپریالیستی که مجبور به پخش خبر شدند (به یاد داشته باشیم که پس از این که جنبش انقلابی دیمه از اوج افتاد ، علی رغم وجود اخبار متعدد از مبارزات و درگیری های مردم با نیروهای رژیم در جامعه ملتهد ایران ، این رسانه ها دقیقاً در ضدیت با مردم تحت ستم ما برای این که جامعه ایران را آرام و کاملاً تحت کنترل جمهوری اسلامی نشان دهند تا جایی که می توانستند از پخش اخبار مربوط به مبارزات مردم ایران امتناع کرده اند) و همه نیروهای متعلق به دنیای پوسیده و بحران زده سرمایه داری سعی دارند حرکت مبارزاتی توده های جان برکف و رزمنده (درویش گنابادی) را که بدرستی و بحق در مقابل دشمنی خونخوار ، کاملاً تعرضی بود و قهر ضد انقلابی جمهوری اسلامی جنایتکار را با قهر انقلابی پاسخ داد، حرکتی مسالمت آمیز جلوه دهند. اینان که خواهان استمرار سیستم ظالمانه سرمایه داری در ایران هستند به شدت از حرکت های تعرضی و انقلابی مردم وحشت دارند. به همین خاطر در حالی که خود را ظاهراً دوست مردم جلوه می دهند ، می کوشند هر حرکت مبارزاتی قاطع و تعرضی را محکوم کرده و به هر شیوه ای که می توانند سطح مبارزات مردم را پایین و در حد تظلم خواهی نگاه دارند. انگار که مردم باید همیشه از ظلم و ستم و سرکوبهای وحشیانه رژیم بنالند و دست به مقابله نزنند.

۲- موضوع دیگر مربوط به کشتن سرکوبگران وحشی رژیم از طریق زیر گرفتن آنها با اتوبوس می باشد که با موضوع اول در رابطه است ، کما این که همان نیروهای متعلق به دنیای ارتجاعی سرمایه داری در این مورد داد و فغان زیادی به راه انداخته و درویش معترض را مورد توهین و تحقیر قرار می دهند و یا به شکل دیگر، در ادامه سیاست تقلیل مبارزات تعرضی و حق طلبانه آنان با دشمنانشان ، مطرح می کنند که چنان کاری مربوط به درویش نبود (یعنی نباید باشد). اما باید به خاطر بسپاریم که مردم ما امروز پس از خیزش توده های انقلابی در دیمه [جدی] در شرایط ظاهراً آرام (آتش زیر خاکستر) گذشته به سر نمی برند ، بلکه اکنون شرایط کاملاً انقلابی در جامعه حاکم است. با خیزش دیمه ، با نفی حاکمیت جمهوری اسلامی و با حمله به مراکز ستم و سرکوب، با سینه سپر کردن در مقابل گلوله های دشمن، با کشتن سرکوبگران ، توده های انقلابی اولین ضربه خود را بر پیکر حاکمیت امپریالیستی حاکم بر ایران وارد آورده اند. آیا این روند که هدفش در درجه اول سرنگونی رژیم منفور جمهوری اسلامی می باشد ، لزوماً باید به پیش برود و یا باید متوقف شده و از حرکت باز ماند؟ مسلم است که همه تلاش نیروهای مرتجع حافظ منافع

سرمایه داران باز داشتن توده ها از حرکت به جلو و عقیم گذاشتن تلاش های انقلابی آنهاست. اما نیروهای انقلابی و آزادیخواه جامعه، روشنفکران مبارز و مترقی چطور؟ اگر قرار به پیشروی است آیا در مقابل توده ها که از بیکاری، گرسنگی، بی مسکنی و از ظلم و ستم و فساد، هوای آلوده و... کاربرد به استخوانشان رسیده، راهی جز مقابله قهر آمیز با دشمنانشان وجود دارد؟ آیا اگر قرار به تحقق خواسته های به حق توده هاست، اگر قرار رسیدن به دنیای آزاد و رها از جهنمی است که جمهوری اسلامی با قدرت نیروهای سرکوبگرش برای اکثریت آحاد جامعه به وجود آورده است، توده ها چه راهی جز مقابله با آن نیروهای سرکوبگر در پیش دارند؟ اتفاقاً تاکتیک زیر گرفتن با ماشین را خود پاسدارها و بسیجی های سرکوبگر رژیم در سال ۱۳۸۸ که در آن زمان بسیار شوکه آور هم بود به توده ها آموختند. در آن زمان آنها با بی رحمی تمام با ماشین از روی مردم تظاهر کننده گذشتند و خون آنها را بر زمین ریختند - و البته بدون آن که رسانه های غربی آن را تکفیر و هیاوهی در مورد آن به راه اندازند. برآستی که شیوه مبارزه را رژیم حاکم به مردم تحمیل می کند. لنین در این رابطه سخنان بسیار پر نغزی که ما صحت آنها را در جامعه خود شاهدیم مطرح کرده است. او می گوید: "به موجب قانون مکانیک، کنش مساویست با واکنش. در تاریخ هم شدت نیروی مخرب انقلاب تا درجه زیادی مربوط به آن است که تا چه اندازه سرکوبی تمایلات آزادی طلبی شدید و مداوم و تا چه اندازه تضاد بین "روبنای" عهد عتیق و نیروهای فعال زمان معین عمیق بوده است." (لنین - دو تاکتیک سوسیال دموکراسی در انقلاب دموکراتیک)

۳- درآویش تحت ستم در جریان مبارزات قهرمانانه خود علیه نیروهای سرکوبگر گاه به سردادن شعار "الله اکبر" می پردازند که نمی تواند مورد توافق نیروهای کمونیست باشد. حال اگر نیروهای آزادیخواهی که ممکن است نا خود آگاه از شنیدن چنین شعار همسان با شعار مزدوران جمهوری اسلامی روی ترش کنند را کنار بگذاریم، امروز شاهد نیروهای به اصطلاح سکولاری هستیم (سکولار هائی که اگر چه مدعی مخالفت با حکومت دینی می باشند ولی خواهان حفظ ساختار اقتصادی - اجتماعی ایران یعنی سرمایه داری وابسته هستند) که با استناد به این شعار، به تمسخر درآویش پرداخته و مثلاً با نمایش سبیل و ریش آنها (مردان) می کوشند این طور القاء کنند که گویا مسأله و مشکل درآویش گنابادی با رژیم جمهوری اسلامی امر مذهبی است. با چنین برخوردی اینان از همین امروز ثابت می کنند که در حکومت سکولار آنان درآویش و احیاناً اقلیت های مذهبی دیگر همچنان زیر ظلم و ستم و سرکوب قرار خواهند داشت - آخر با حفظ سرمایه داری وابسته در کشور، دیکتاتوری ذاتی آن هم الزامی خواهد بود.

واقعیت این است که درآویش گنابادی به خاطر اعتراض به بگیر و ببند های رژیم دیکتاتور حاکم علیه دیکتاتوری و سرکوبگری های آن به پا خاسته اند. به همین خاطر وظیفه کمونیستها و همه نیروهای آزادیخواه جامعه است که بدون توجه به اعتقادات مذهبی و رسومات شان، قاطعانه به دفاع از اعتراضات حق طلبانه آنها بر خیزند. ما باید خواهان جامعه آزادی باشیم که هیچ کس به خاطر اعتقاد به این یا آن مذهب و یا نداشتن مذهب، نه مورد سرکوب و نه توهین و تحقیر قرار بگیرد. بی شک سرنگونی جمهوری اسلامی و تمام دار و دسته های درونی اش به دست توده های ستم دیده، شرط اول حرکت به سوی چنین جامعه ای ست.

هر چه پر توان تر باد مبارزات ستمدیدگان علیه ستمگران!

نابود باد جمهوری اسلامی! زنده باد انقلاب!

اول اسفند [حوت] ۱۳۹۶ - ۲۰ فبروری ۲۰۱۸